

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۱ دسمبر ۲۰۲۲



محمد محق

افغانستان و نظام سیاسی سکولار

این روزها که در حلقات سیاسی سخن از دولت آینده در افغانستان است، شماری از صاحب نظران بر ضرورت سکولاریسم سیاسی در این کشور تأکید دارند، موضوعی که باید از دیرباز به آن پرداخته می‌شد، به ویژه با تجربه حاکمیت طالبان و مجاهدین، به اضافه حکومت‌های ایران و سودان که مواد کافی برای ارزیابی این تجربه و بحث در اختیار ما نهاده است.

گروه‌های بنیادگرا مانند اخوان المسلمین، حزب تحریر، القاعده، داعش، دولت ایران و طالبان در طی سال‌های متمادی سکولاریسم را مرادف دین‌ستیزی، آنتیسم و الحاد معرفی کردند و مردم را ترساندند که گویا از این طریق مقدسات شان در معرض هتک و ارزش‌های شان در آستانه لگدمال شدن قرار خواهد گرفت. توسل گروه‌های افراطی در افغانستان به ترور و انفجار باعث می‌شد که کسی توان به زیر سوال بردن تبلیغات شان را پیدا نکند و از این طریق بود که این دروغ تبدیل به باور مسلط و عمومی می‌شد و گفتمان بنیادگرا می‌توانست خود را با تکیه بر انتحار بر پهنه عمومی تحمیل کند.

سکولاریسم به معنای دین‌ستیزی نیست و در معنای سیاسی تنها به معنای تفکیک دو قلمرو و تعیین صلاحیت‌های هر یک است، یکی قلمرو ملاها و گروه‌هایی که خود را نماینده دین می‌دانند و دیگری قلمرو دولت که حق انحصاری هیچ کس نیست. سکولاریسم در معنای ساده این است که هیچ کس نمی‌تواند با این ادعا که "نایب الله و خلیفه رسول الله" است، برای خود حق و امتیازی بالاتر در عرصه عمومی طلب کند. عرصه عمومی یعنی جایی که به همگان تعلق دارد، و دولت بخشی از آن است. این عرصه بر پایه قرارداد اجتماعی و توافق همگانی قابل مدیریت است و انحصاری شدن آن در دست یک فرد، یک گروه، یک مذهب، یک طبقه، یا یک طیف اجتماعی سبب منازعات خونین می‌شود.

سکولاریسم به این معناست که عرصه عمومی، بی هیچ تبعیضی در اختیار عموم شهروندان بماند و مطابق با قانون اداره شود، اما در عرصه خصوصی هر کس مطابق اعتقادات خود رفتار کند. قانون نیز از طریق مشارکت عمومی در

ساختن قوه مقننه بدون تبعیض میان شهروندان ساخته می‌شود و هیچ کس به دلیل نوع اعتقادش در باره دین از مشارکت در این روند محروم نمی‌گردد. بر این اساس، دین‌داران، از هر دینی که باشند، می‌توانند معابد، مراکز دینی، مدارس، آموزش‌گاه‌ها، و بنگاه‌های رسانه‌ای خود را داشته باشند، همچنان‌که سایر شهروندان نیز همین حقوق را خواهند داشت. طبق این دیدگاه فعالیت‌های شهروندان در عرصه عمومی تنها در چارچوب قانون صورت می‌گیرد، و هیچ کس جز حکومت حق استفاده از قوه قهریه را ندارد. حکومت سکولار یعنی حکومتی که در مسایل دینی بی‌طرف است، نه هیچ دینی را تحمیل و نه هیچ دینی را ممانعت می‌کند و قانون را بر سر همه شهروندان، با هر اعتقادی که باشند، به صورت یکسان به اجراء می‌گذارد.

به لحاظ تاریخی، پیدایش سکولاریسم واکنشی به فریب‌کاری، زراندوزی، قدرت‌طلبی، و ستم‌گری به نام دین بود تا دست افراد و گروه‌هایی را که از دین به مثابه نردبان قدرت و ثروت استفاده می‌کردند از این کار کوتاه کند. این تجربه همان گونه که در اروپای سده‌های میانه اتفاق افتاد و اتحاد کلیسا و حاکمان سیاسی تاریخچه‌ای سیاه و خونین را رقم زد، در جهان اسلام نیز در طول بیش از یک هزار سال از سوی خلفای اموی، عباسی، عثمانی، و پادشاهان دیگر به اضافه گروه‌هایی که با ابزارسازی مذهب به سیاست‌گری روی می‌آوردند، به اشکال مختلف تکرار شد. سکولاریسم سیاسی به سود دین و به زیان دین‌فروشان است.